

مقایسه مفهوم وسازوکارهای مشارکت سیاسی در پارادایم مدرنیته با اندیشه سیاسی امام خمینی^(ه)

دکتر حسین فرزانه پور، عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند
پیمان زنگنه، کارشناسی ارشد علوم سیاسی

چکیده:

در بستر مدرنیته معیار مشروعیت هر یک از نظامهای سیاسی بر اساس نحوه حضور شهروندان در امور سیاسی سنجیده می‌شود و هر یک از شهروندان نیز به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیمات کارگزاران سیاسی تأثیر گذارند. امام خمینی نیز با توجه به بستر اسلامی و ایمانی اندیشه سیاسی خویش به تبیین مشارکت سیاسی پرداخته است. بطوریکه در نگاه ایشان مشارکت سیاسی با توجه به مشروعیت الهی نظام اسلامی صورت می‌گیرد. به هر حال مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی ضمن تمایزات محتوایی با رویکرد مدرن از جنبه رویه‌ها و سازوکارهای صوری مشابه آن است.

کلید واژه: مشارکت سیاسی، سطوح مشارکت سیاسی، سازوکارهای مشارکت سیاسی.

مقدمه:

میزان مشارکت سیاسی در کشورها، امروزه به عنوان یکی از معیارهای سنجش مشروعیت نظامهای سیاسی به شمار می‌رود. تاریخ اندیشه سیاسی غرب از دوره یونان باستان که مشارکت به شکل مستقیم انجام می‌شده، تا دوره‌های بعد از آن که مشارکت سیاسی پس از چندی توقف، دوباره احیا شد. پراز آراء ونظریات مختلفی در خصوص مشارکت سیاسی است. در پارادایم مدرنیته که بر عقل باوری و حساسیت انسان بر سرنوشت خویش تاکید فراوان شده است. مشارکت سیاسی ذخیره سیاسی نظامهای غربی است. بطوریکه اگر مردم در امور سیاسی مشارکت نکنند. بحران مشروعیت ایجاد می‌شود.

به هر حال مشارکت سیاسی در بستر مدرنیته غربی با اهداف اقتصادی، یعنی افزایش سود، سیاسی یا همان کسب قدرت و به ندرت با علقه‌های عقیدتی صورت می‌گیرد. هر کدام از شهروندان دنیای مدرن میتوانند با حضور در انتخابات به عنوان عمومی ترین سازوکار مشارکت سیاسی یا با ورود به احزاب و قوای مقننه و مجریه و استفاده از رسانه‌های جمعی سطح مشارکت سیاسی خویش را افزایش دهند. اما در اندیشه سیاسی امام خمینی مشارکت سیاسی متناسب با محتوای تعالیم اسلامی با اهداف متعالی مانند ظلم ستیزی، استقرار حکومت اسلامی و حق تعیین سرنوشت، مفروض مشخص و از پیش تعیین شده‌ای است که انسانهای ایمانی و اسلامی با خلوص هر چه بیشتر در آرزوی تحقق آرمان امت واحده اسلامی می‌باشند. و برای تحقق اهداف آرمانی و اسلامی به وسیله سازوکارهای شرعی مانند امر به معروف و نهی از منکر و یا سازوکارهای قانونی مانند حضور در قوای مجریه و مقننه و انتخابات و استفاده از سازوکارهای عرفی مانند رسانه‌های جمعی در تلاشند.

براین اساس مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی بر خلاف مشارکت سیاسی در دنیای مدرن که با اهداف مادی و دنیوی همراه است. امری مقدس و متعالی و برگرفته از گذاره‌های اسلامی و شرعی است. که در چنین بستری به وقوع می‌پیوندد.

بنابراین در این مقاله مشارکت سیاسی در بستر مدرنیته با تاکید بر مواردی چون تعاریف، اهداف و سطوح مورد بررسی قرار می‌گیرد. و سپس مشارکت سیاسی مورد نظر امام خمینی با توجه به اهداف، سطوح و سازوکارهای این نوع مشارکت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱- تاریخچه مشارکت سیاسی در غرب:

واژه مشارکت سیاسی برگرفته از واژه انگلیسی (participation) به معنای شریک شدن و مأخوذ از واژه عربی شراکت به معنای انبازی و حصه برداری است. از بعد تاریخی مشارکت سیاسی در تمدنهای باستانی دیده شده است. اما در یونان باستان و به ویژه دولت شهر آتن مشارکت سیاسی به صورت مستقیم صورت می‌گرفت به گونه‌ای که در آنجا شهروندان می‌توانستند به مدت یک سال

مدیریت سیاسی دولت شهر را به عهده گیرند. ناآرامیهای ناشی از دموکراسی افلاطون و ارسطو را واداشت تا به دنبال ایجاد حکومت‌های با ثبات برآیند، آنان مشارکت توده‌ای را به کناری نهادند و به مشارکت عقلا و دانایان روی آوردند. به هر حال با اقدامات افلاطون و ارسطو دامنه مشارکت سیاسی محدود شد و نظریه پردازی در این خصوص تقریباً به دو هزار سال به تعویق افتاد. بعدها افرادی نظیر هابزولاک با طرح مباحثی نظیر جامعه مدنی و حکومت مشروط به دفاع از جان و مال و آزادی افراد پرداختند، به طوری که در اندیشه جان لاک فرد از حق شورش بر علیه حاکم برخوردار بود. روسو با طرح بحث و اداره عمومی در صد آشتی میان اقتدار دولت و آزادی فردی برآمد. در قرنهای نوزدهم و بیستم میلادی که حق رای گسترش یافت اندیشمندان متعددی با رویکردهای مختلفی به نظریه پردازی در خصوص مشارکت سیاسی پرداختند. فی‌المثل کارل مارکس مشارکت سیاسی را در مبارزه بی‌امان فقیر و غنی جستجو می‌کرد.

در نیمه دوم قرن بیستم مشارکت سیاسی به دغدغه اصلی کشورها و علی‌الخصوص نخبگان حکومتی تبدیل شد. مثلاً ساموئل هانتینگتن، مشارکت سیاسی را یکی از شاخصه‌های اصلی توسعه سیاسی برمی‌شمارد. و بر این باور است که در روند نو سازی و توسعه سیاسی طبقه متوسطی ظهور می‌نماید که نظام سیاسی می‌بایست نمادمندی لازم را برای این طبقه فراهم نماید.

در دوره پست مدرن پیدایش گروه‌های اقلیت قومی، زبانی در سطوح فرا ملی و گسترش سازمانهای فراملی نظیر جنبش حفظ محیط زیست به همراه نقش محوری و خودمختار فرد و ظهور هویت‌های گوناگون، اقتدار دولت‌ها را به چالش کشیده و موجبات تغییر در چهره مشارکت سیاسی را فراهم گردانیده است.

۲- مفهوم مشارکت سیاسی:

جهت پرداختن به مفهوم مشارکت سیاسی می‌بایست ببینیم که اولاً، مشارکت سیاسی مشتمل بر چه تعاریفی است؟ ثانیاً در چه سطوحی صورت می‌گیرد. و ثالثاً انگیزه افراد و گروه‌ها از پرداختن به آن چه می‌باشد؟

۱-۲: تعریف مشارکت سیاسی:

در مورد مشارکت سیاسی تاکنون تعاریف زیادی ارائه شده است که هر کدام این پدیده را از منظر خاصی مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. دائره المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: "مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاستگذاری عمومی است." (۱)

تعریف فوق سمت و سوی مشارکت سیاسی را تأثیرگذاری بر سیاستهای عمومی می‌داند و تعریف جامع و مانعی از مشارکت سیاسی که در بردارنده تمامی ابعاد این پدیده باشد ارائه نمی‌نماید.

در تعریفی دیگر از مشارکت سیاسی، ساموئل هانتینگتن و جان نلسون تعریفی از مشارکت سیاسی را ارائه می‌دهند که به شرح زیر است: «مشارکت سیاسی شامل کوششهای شهروندان غیردولتی برای تأثیر گذاری بر سیاستهای عمومی است.» (۲). نقیصه موجود در تعریف هانتینگتن و نلسون از مشارکت سیاسی را که صرفاً بر نقش شهروندان غیردولتی تأکید دارند را بر طرف می‌نماید.

همچنین مایرون واینر در تعریف مشروح تری از مشارکت سیاسی نسبت به تعاریف پیشین آن را عبارت می‌داند از: در هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل روش های مشروع و نامشروع برای تأثیر گذاری بر انتخاب رهبران در اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی. (۳)

به هر صورت تعریف واینر از مشارکت سیاسی ابعاد ناگفته دیگری از مشارکت سیاسی به شرح زیر نمایان می‌سازد. اول اینکه مشارکت سیاسی به شیوه متعارف و غیرقانونی هم قابل انجام است. دوم در صورت موفقیت یا عدم موفقیت از سازماندهی و عدم سازماندهی برخوردار می‌باشد.

در ادبیات سیاسی دو تفکر مهم در خصوص مشارکت سیاسی وجود دارد دیدگاه اول، مشارکت سیاسی را با ذکر خصوصیاتمانند داوطلبانه، انتخابی و قانونی بودن فقط در چارچوب نظام سیاسی موضوعیت می‌یابد. بنابراین تمامی تعاریف ارائه شده از مشارکت سیاسی ذیل این دیدگاه قرار میگیرند. اما در دیدگاه دوم مشارکت سیاسی معادل کوششهای مردم در هر نوع نظام سیاسی در جهت تأثیر گذاری بر تصمیمات حکومتی می‌باشد. بنابراین در این دیدگاه مشارکت سیاسی از نظامهای دموکراتیک منفک شده و به ماهیت بسیج گونه و غیرقانونی مشارکت سیاسی را اشاره دارد.

لازم به یادآوری است که هر کدام از دو دیدگاه ارائه شده فوق الذکر در خصوص مشارکت سیاسی مورد توجه این نوشتار می‌باشد.

۲-۲ سطوح مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در سطح خرد رفتار سیاسی و انگیزه های فردی به همراه خصوصیات روانی و شخصیتی و وضعیت اجتماعی آنان مورد توجه می‌باشد و در سطح کلان به مقولاتی چون فرهنگ سیاسی، سازمان و تشکیلات و نیروها و ساختارهایی که در سطح جامعه بر فعالیت افراد اثر می‌گذارند؛ پرداخته میشود. (۴)

۲-۳ انگیزه های مشارکت سیاسی:

مشارکت سیاسی با انگیزه های اقتصادی، سیاسی، روانی و عقیدتی صورت می‌پذیرد. بنابراین مشارکت سیاسی افراد و گروهها با انگیزه های اقتصادی به دنبال بیشینه کردن سودشان هستند.

در حالیکه همین افراد با انگیزه های سیاسی در صدد دست یابی به قدرت سیاسی می باشند. عمده ترین انگیزه روانی آنان از مشارکت سیاسی تأمین امنیت و قدرت نمایی می باشد، به گونه ای که آنها با انگیزه های عقیدتی و ایدئولوژیکی خارج از محاسبات عقلی به مشارکت سیاسی مبادرت می ورزند. (۵)

۳- ساز و کارهای مشارکت سیاسی:

احزاب، انتخابات، قوه مقننه، مجریه به همراه رسانه های جمعی از عمده ترین ساز و کارهای مشارکت سیاسی محسوب می شوند.

۱- ۳ احزاب:

حزب گروهی است که به عنوان رسمی شناخته شده است و در موقع انتخابات کاندیدای خود را برای احراز مناسب دولت انتخاب می کند و بر خلاف گروههای دیگر برای تحقق آرمانها یش به دنبال کسب قدرت است. وجود تشکیلات سازمانی به همراه زیر مجموعه هایی برای فعالیت در سطح ملی و تلاش برای کسب قدرت و جذب حمایت عمومی از طریق فرآیند انتخابات از عمدهترین ویژگیهای آن به شمار می رود. حزب از دو کار ویژه انتخاباتی و آموزشی برخوردار است که در کار ویژه انتخاباتی حزب به دنبال شکل دادن به افکار عمومی و گزینش نامزد است و در کار ویژه آموزشی به اطلاع رسانی و آموزش نظری و عملی تودهها و ادغام اجتماعی مبادرت می ورزد.

۲- ۳ انتخابات:

انتخابات از متداولترین شیوه های مشارکت در عصر حاضر است و به دو شیوه مستقیم و غیر مستقیم انجام می شود. در شکل مستقیم آن، مردم مستقیماً مقامات مسوول را انتخاب می نمایند. و در شکل غیر مستقیم آن انتخاب مردم مقدسه انتخاب مسوولان است. مگنزی در این زمینه و دایره المعارف بین المللی علوم اجتماعی، انتخابات را ساز و کارهای جهت برخی تشریحات عمومی می دانند که روشی به رسمیت شناخته شده توسط قواعد یک سازمان، باشگاه و دولت به منظور گزینش مقامهای مقتدر می باشد. (۶)

داریوش آشوری در دانشنامه سیاسی خود انتخابات را فرایندی می داند که از طریق آن کسانی عده ای را جهت انجام برخی امور بر می گزینند. (۷) بنابراین انتخابات به صورت ابزاری مورد استفاده مردم واقع می شود، به گونه ای که مردم بدین وسیله مسئولین را کنترل می نمایند و در صورت برآورده نشدن خواسته هایشان از شرکت در انتخابات امتناع می ورزند.

۳-۳ قوه مقننه:

قوه مقننه از عمده ترین سازوکارهای مشارکت سیاسی در سطح هر نظام سیاسی محسوب میشود. در شکل پارلمانی حکومت ارتباط نزدیکی میان قوای مجریه و مقننه وجود دارد و مقتدی مقام اجرایی در آن به اراده قوه مقننه بستگی دارد. این شکل از حکومت را به دلیل اینکه دارای اختیارات حکومتی و مسئولیت در برابر مجلس قانونگذاری منتخب مردم است، شکل مسئولیت دار حکومت نامیده اند (۸)

مواردی نظیر وجود رئیس اسمی، مسئولیت جمعی وزرای دولت در قبال پارلمان مسئولیت فردی هر یک از وزرای دولت در برابر پارلمان به همراه تجانس سیاسی از عمده ترین ویژگیهای نظام پارلمانی محسوب میشود که در کنار این ویژگیها، راحتی تصمیم گیری، حکومت مردان و زنان پر توان، هماهنگی میان قوه مقننه و مجریه از عمده ترین امتیازات این نوع نظام سیاسی محسوب می شود. (۹)

۳-۴ قوه مجریه:

قوه مجریه به عنوان یکی دیگر از سازوکارهای مشارکت سیاسی می باشد. در نظامهای سیاسی یکی از مهمترین ویژگیهای قوه مجریه جدایی کامل قوا است، در این شکل از حکومت که هر یک از قوا وظیفه خود را انجام می دهند، رئیس اجرایی کشور اسمی نبوده بلکه واقعی است و کابینه مرکب از دست یاران و مشاورانی است که به طور کاملی در برابر او مسئولند و رئیس قوه مجریه یا همان رئیس جمهور عضو قوه مقننه نبوده و حق شرکت در مذاکرات پارلمان را ندارد. همچنین در نظام ریاستی مبتنی بر تفکیک قوا طول دوره رئیس جمهور به قوه مقننه بستگی ندارد و برای بازخواست از او توسط قوه مقننه ضوابط اجرایی مشخصی بر طبق قانون اساسی وجود دارد. (۱۰)

۳-۵ رسانه های جمعی:

رسانه های جمعی ابتدا منحصر به مطبوعات و رسانه های نوشتاری بود، سپس رسانه های شنیداری مانند رادیو و تلویزون و اینترنت به آن افزوده شد. هوستن رانی می گوید: در همه کشورهای دارای تکنولوژی ارتباطات جمعی، رسانهها در شکل دادن به جهت گیریهای اصلی و افکار عمومی مردم، نقش مستقیم دارند. (۱۱)

لوسین پای نیز رسانه ها را مناسب ترین وسیله برای جامعه پذیری سیاسی و نوسازی سیاسی می داند. (۱۲) هر چند رسانه های جمعی با توجه به وظایف و رسالتی که دارند به ایفای نقش های متفاوتی نظیر، نقش های تفریحی، خبری، همگن ساز می پردازند.

جمع‌بندی و ارائه تعریف بازسازی شده از مشارکت سیاسی

- ۱- مشارکت سیاسی به شکل امروزی بیشتر مربوط به زمانی است که نوعی دگردیسی در محتوای نظام سیاسی و به تبع آن حوزه عملکرد دولت می‌باشد.
- ۲- شیوه‌های مشارکت سیاسی متناسب با شرایط فرهنگی، تاریخی، اجتماعی متغیر است
- ۳- شهروندان، نیروهای درون سیستم به همراه نظام سیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهند.
- ۴- مشارکت سیاسی در سطوح خرد و کلان با انگیزه‌های اقتصادی، روانی، سیاسی و عقیدتی انجام می‌شود.
- ۵- احزاب، انتخابات، قوه مقننه، مجریه و رسانه‌های جمعی از سازوکارهای مشارکت سیاسی محسوب می‌شوند.

با توجه به مولفه‌های مطرح شده تعریف بازسازی شده از مشارکت سیاسی به قرار زیر است: «مشارکت سیاسی عبارتند از تلاش افراد و گروهها جهت تاثیر گذاری بر سیاستهای حکومتی که متاثر از ساختارهای هر نظام سیاسی در سطوح خرد و کلان با انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، روانی و عقیدتی در قالبهایی چون احزاب، انتخابات، قوه مقننه، مجریه و رسانه‌های جمعی تبلور عینی می‌یابد.»

مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی:

امام خمینی برای مشارکت سیاسی اهداف و سطوحی را در نظر گرفته اند که تجزیه و تحلیل آن مورد توجه این مقاله می‌باشد.

۱- اهداف مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی

امام خمینی به عنوان یک اندیشمند سیاسی برجسته در راستای عملیاتی کردن اصول و موازین اسلامی در تئوری و عمل، اهدافی را از مشارکت سیاسی منظور داشته اند که استقرار حکومت اسلامی، برقراری عدالت، ظلم ستیزی حق تعیین سرنوشت از عمده‌ترین آن اهداف به شمار می‌آیند:

۱-۱ استقرار حکومت اسلامی:

امام خمینی در کتاب «البیع» حکومت اسلامی را به‌طور کامل تشریح کردند. (۱۳) ایشان حکومت در اسلام را به معنای تبعیت از قانون که همان حکم و فرمان خداوند است می‌دانند. ایشان میان اسلام حکومتی که وجه مشخصه آن سیطره حکومت بر ارزشهای است و حکومت اسلامی که ممیزه آن تقدم ارزشهای اسلامی بر حکومت است، تمایز قائل است. (۱۴)

هسته اصلي حکومت اسلامي مورد نظر امام خميني، ولايت فقيه است که ايشان آن را بر اساس دو دسته از استدلالات عقلي و نقلي به اثبات مي رساند. (۱۵) ولي فقيه مورد نظر امام خميني مزين به صفاتي نظير عدالت، فقاہت، شجاعت، تدبير و بينش سياسي و اجتماعي مي باشد. (۱۶) با پيروزي انقلاب اسلامي و تشکيل حکومت اسلامي مبتني بر ولايت فقيه، تئوري حکومت اسلامي آنگونه که امام خميني ارائه نموده بود، عينيت يافت.

۲-۱ برقراري عدالت:

امام خميني برداشتهای متفاوتی از عدالت منظور داشته اند. به طور مثال ايشان در بخش پنجم کتاب شرح حديث جنود عقل و جهل، عدل را مقابل جور دانسته اند. (۱۷) ايشان در فرازي ديگر عدل را به معنای حد وسط و اعتدال (بين افراط و تفریط) قرار مي دهند. (۱۸)

يا در تعبيری ديگر ايشان عدالت را به مفهوم تعديل قواي انساني (تعديل قوه عمليه و تهذيب آن) در نظر مي گيرد. (۱۹) تعبير ديگر ايشان از عدالت فضيلت است. (۲۰) ايشان از بعد فقهی عدالت را ملکه ای راسخ در وجود انسان می داند. (۲۱)

از دیدگاه امام خميني دو دسته شرايط فردي و اجتماعي برای برقراري عدالت مهم به نظر ميرسد. منظور از شرايط فردي، شرايطي نظير تقوی، پاکی، خيانت نفس، ورع و عدالت انساني، پرهيز از حب نفس و رياست طلبی است که می بایست در افراد جامعه که خواهان تحقق عدالت در جامعه می باشند، شکل بگيرد تا آمادگی لازم برای قيام به عدل و اجرای آن را پيدا کنند. منظور از شرايط و عوامل اجتماعي عدالت مواردی نظير نگرش مثبت به رابطه عدالت و آزادی، وحدت و همبستگی اجتماعي و توجه به مصالح عمومي، نفی موازنه و سازش با ظلم و ستم است که برای رسيدن به عدالت وجود آنها در جامعه و در شکل جمعی افراد و نهادهای امور ضروري است و بدون وجود آنها تحقق عدالت در جامعه میسر نخواهد شد. ايشان با مورد توجه قرار دارد دو دسته از شرايط فردي و اجتماعي عدالت، به اين نتیجه می رسد که عدل و قسط فرد و جامعه را به کمال مطلوب و راستين می رساند. "در خدمت بندگان خدا و مستضعفين باشيد و بیشتر از همه طبقات ضعيف را ملاحظه کنيد و اين خود يک عبادت بزرگ است". (۲۲)

يا در فرازي ديگر در خصوص توجه به اقامه عدالت از سوی مسوولان می گوید:

عدالت را اجرا کنيد، عدالت را برای ديگران نخواهيد [برای] خودتان هم نخواهيد و در رفتار عدالت داشته باشيد، در گفتار عدالت داشته باشيد، تشریفات را کم کنيد و اين ملت را خدمتگزار باشيد. (۲۳)

۳-۱ ظلم ستیزی:

امام خمینی ظلم ستیزی را در دو محور مبارزه با استبداد داخلی و استکبار مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد. مبارزه ایشان با نظام شاهنشاهی از سال ۱۳۴۲ به بعد نماد بارزی از مبارزه با استبداد داخلی در لوای ظلم ستیزی است. همچنین ایشان مبارزه با استبداد داخلی را از مبارزه با استعمار خارجی جدا نداشته و استبداد و استعمار را همیار و همکار یکدیگر معرفی می‌نماید. (۲۴) ایشان در فرازی بر ضرورت مبارزه با استبداد داخلی تاکید نموده می‌فرمایند:

”از بین رفتن سلطنت ضرورت دارد و هیچ نوع مصالحه ای با رژیم فعلی امکان پذیر نیست و تاکنون نیز یکی به عنوان فرستاده به ما مراجعه نکرده است و در صورت مراجعه نیز پذیرفته نخواهد شد.“ (۲۵)

امام خمینی زاویه دیگر ظلم ستیزی را استکبار ستیزی می‌داند و از مواردی نظیر اختلاف میان مردم مستضعف، ترویج فساد و فحشا، منزوی کردن نیروهای کارآمد و متعهد به عنوان عمده ترین زمینه های نفوذ مستکبران به ملل تحت استعمار یاد می‌نماید. و همچنین ایشان استراتژیها و ارزشهای مبارزاتی استعمارگران را در دو دسته اهرمهای مستقیم مانند (حمله مستقیم نظامی، ترور شخصیت های انقلابی، تحریم اقتصادی) و غیرمستقیم نظیر (تهاجم فرهنگی، سست جلوه دادن اندیشه های دیگران، تبلیغ برضد نمادهای اصیل فرهنگی و مذهبی، ایجاد روحانیت درباری دسته بندی می‌نماید. (۲۶)

۴-۱ حق تعیین سرنوشت:

امام خمینی ضمن اذعان به حق تعیین سرنوشت در دوران مبارزه در فرازی می‌فرماید: ”با طرحی که تدارک دیده ایم، تلاش می‌کنیم که عموم ملت از همه طبقات آگاهانه و آزادانه نمایندگان خود را انتخاب کنند و سپس نمایندگان دولت را و مسئولین هر مقامی را انتخاب می‌کنند.“ (۲۷)

همچنین ایشان امکان تصمیم گیری و مشارکت مردم در اداره امور را مهم دانسته و می‌گوید: ”حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد. طبیعی است که چون ملت ایران بیش از نود درصد مسلمانند، می‌بایست این حکومت بر پایه‌های موازین و قاعده اسلامی باشد.“ (۲۸)

۲- سطوح مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی

از منظر امام خمینی مشارکت سیاسی در دو سطح فردی و جمعی به وقوع می‌پیوندد.

۱-۲ سطح فردی:

در سطح فردی امام خمینی به طرح ریزی انسان ایده آل می‌پردازد و سپس انسان موردنظر خویش را در عرصه عمل اجتماعی به محک آزمون می‌گذارد. یکی از ویژگیهای موردنظر امام خمینی علاوه بر ارتباط با خداوند به ویژگیهایی نظیر کمال جویی، اراده آزاد، دو بعدی بودن و آزادیخواهی آراسته شده است.

- کمال جویی

این بحث از دو ناحیه قابل طرح است یکی از بعد اثبات وجود و تعیین مصداق کامل مطلق که به هستی‌شناسی مربوط است و دیگری گرایش به کمال خواهی در انسان که بعدی معرفت‌شناختی است. بنابراین وجود کامل مطلق کشش و جذبه ای را در انسانها پدید می‌آورد که به سوی او در حرکت می‌باشند. ایشان در این راستا می‌فرمایند:

”یکی از فطرت‌هایی که جمیع سلسله بنی‌الانسان متحیر بر آن مستند فطرت عشق به کمال است اگر چه در تشخیص کمال و آنکه کامل در چیست؟ و محبوب و معشوق در کجاست محبتشان راجع به آنچه کردند نیست. و معشوق آنها و کعبه آمال آنچه را مردم ستمکار نخواهد دید.“ (۲۹)

- اراده آزاد

از دیدگاه امام خمینی انسانها با توجه به دو مسیر خیر و شر در زندگی متحیرند و می‌توانند بدون جبر و آزادانه یکی از این مسیرها را گزینش نمایند.

”یک راه انسانیت است، که این صراط مستقیم یک سرش طبیعت است. یک طرفش به اولویت اختیار با شماست که این دو را انتخاب کنید.“ (۳۰)

بنابراین امام خمینی بر این اعتقادات است که انسان با اتکا به خصلت و جودى خوش یعنی اراده به کمال مطلق می‌تواند به کار و فعالیت مفرد ادامه داده و جلوه های کمال را در خود تحقق بخشد.

- دو بعدی بودن

در دیدگاه امام خمینی انسان موجودی دو بعدی است که از طرفی با عالم طبیعت و از دیگر سو با عالم ماوراء الطبیعه ارتباط دارد. همچنین ایشان تاکید دارند که نادیده گرفتن یکی از آنها صحیح نیست و می‌بایست هر دو بعد را در نظر گرفت.

”انسان مراتبی دارد که مرتبه طبیعی اش از همه مراتبش نازل تر است و محسوس است. اسلام برای برگرداندن تمام محسوسات و تمکام عالم به مرتبه توحید است. تعلیمات طبیعی و ریاضی حرف نیست. همه اینها را دارد. لکن اینها مهار شده به توحید، برگرداندن طبیعت و همه ظل های

ظلمانی به آن مقام نورانی که آخر مقام الوهیت است.” (۳۱)

آزادخواهی

امام خمینی آزادی انسان را به جهت حرکت انسان به عالم ملکوت و قرب الهی می‌داند. ایشان بر این باورند که نهایت آزادخواهی انسان که همان رسیدن به حق می‌باشد ناشی از حقیقت جویی اوست. امام خمینی دو نوع آزادی فلسفی و حقوقی برای انسان متصور است و آزادی فلسفی را همان تفسیر امامیه مبنی بر (بل امر بین الامرین) می‌داند و آزادی حقوقی را به معنای آزادی در تصمیم‌گیری و کنش فردی می‌داند. (۳۲)

از دیدگاه امام خمینی آزادی بیان و عقیده مختص گروه خاصی نمی‌باشد ایشان حدود این آزادی را به خطر نیفتادن مصالح ملت می‌داند. ”بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد است که مضر به حال ملت ما نباشد.“ (۳۳)

فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی مورخ ۱۳۶۱/۹/۲۴ خطاب به قوه قضائیه و تمامی ارگانهای اجرایی، سند اساس آزادیهای انسانی در حریم خصوصی تلقی می‌شود. (۳۴)

۲-۲ سطح جمعی

امت و ملت از عمده‌ترین سطوح جمعی مشارکت سیاسی مورد نظر امام خمینی می‌باشند.

- امت:

امت واژه‌ای عربی است که همزمان با ظهور اسلام رواج یافته است. این واژه در قرآن کریم به معنای، مدتی معین، پیشوا و الگو، دین و آیین، گروهی از جانداران اعم از انسان و حیوان و گروهی از انسانها به کار رفته است. (۳۵)

امام خمینی با الگوپذیری از احکام و تعالیم اسلامی و قرآنی زمانیکه امت و جهان اسلام در عزت و انزوای یک سری احکام فردی خلاصه شده بود، حکومت جهانی اسلام را مورد توجه قرار دادند. (۳۶) و انقلاب اسلامی حرکتی در جهت تحقق آرمان امت واحده اسلامی می‌باشد. ایشان با توجه به شناخت عمیقی که از وضعیت سیاسی و اجتماعی مسلمانان در عصر حاضر داشتند، احیای هویت اسلامی و بازگشت به خویش را تنها راه کار عظمت و قدرعت مسلمانان می‌داند.

”من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای عضویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب‌قرا نگیرد.“ (۳۷)

امام خمینی علاوه بر هویت از فرهنگ انتظار به عنوان یکی دیگر از خاستگاه‌های امت واحده

اسلامی نام می‌برد، این عامل (فرهنگ انتظار) جدای از هویت بخشی به مسلمانان می‌تواند به صورت عاملی مستقل در پویایی و حرکت جامعه و تحقق حکومت اسلام یعنی امت اسلامی مورد توجه قرار گیرد. (۳۸)

- ملت:

ملت واژه ای اجتماعی - سیاسی با عمری بیش از دوهزار سال ریشه در زبان عبری - عربی دارد. این واژه در قرآن کریم تقریباً ۱۷ بار به کار رفته است. همچنین مفهوم ملت در مسیر تاریخی اش از دین و آیین به صاحبان دین دینداران و سپس به توده مردم که دارای هدف مشترک هستند، تغییر یافته است. با پیدایش واحدهای سیاسی نوین و محدوده سرزمینی و نظام دولت و ملت در دوران جدید حیات سیاسی غرب، واژه ملت با مفهوم کشور و ساکنان آن مترادف گردید.

امام خمینی از آنجایی که اسلام را دینی جهانشمول و فراگیر برای تمامی بشریت می‌بیند، از حیث تئوریک التزام چندانی به مفهوم ملت نداشته است اما از بعد عملی در عین اینکه رهبر مسلمین و مستضعفین جهان بودند برای ایران و مردم ایران جایگاه والایی قائل بودند. (۳۹) و ایرانیت را با تاکید بر مفهوم اسلامیت دو مفهوم جدایی ناپذیر از یکدیگر تلقی می‌کرد. امام خمینی ملت به مفهوم مدرن خود که در مقابل اسلام قرار نگیرد، مورد پذیرش قرار می‌دهد و ملی‌گرایی را از آن جهت که در تقابل با اسلام قرار گیرد، مطرود می‌داند.

آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف صفوف مومنین منجر شود برخلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برد. (۴۰)

۱- سازوکارهای شرعی مشارکت سیاسی از نگاه امام خمینی:

امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی بر امور، انتقاد، استیضاح و بازخواست از عمده‌ترین سازوکارهای شرعی مشارکت سیاسی محسوب می‌شود.

- امر به معروف و نهی از منکر

امام خمینی حکومت را مجری رسمی امر به معروف و نهی از منکر و ایجاد جامعه ای متناسب با قواعد اسلامی می‌داند، بگونه ای که حکومت در راستای انجام این فریضه مهم می‌تواند تجلیات رسمی فساد و فحشا را از سطح جامعه جمع آوری نماید.

”کلی مسأله را گفتم، اصل آن مسأله ای را که من گفتم بر این بود که ایران را برگردانیم به یک مملکت اسلامی، همه چیز بشود. فرض کنید یک کس بخواهد سوء استفاده بکند، یک

کسی بخواهد برای اینکه خیال کند که بخیر دیگر آزاد است، دیگر چه و چه بخواهد آن خلافی که بیشتر میکرد، خلاف شرعی بکند، خوب وظیفه شهربانی جلوگیری است.“ (۴۱)

همچنین ایشان براین باورند که به قصد انجام امر به معروف و نهی از منکر نمی توان در امور شخصی دیگران دخالت کرد.

البته آنجا که ما می گوئیم این است که به مردم، مردم عادی به خیال اینکه کسی توی خانه اش بخواهد کاری بکند حق ندارد کسی برود. (۴۲)

- نظارت همگانی بر امور

نظارت همگانی بر امور یکی دیگر از سازوکارهای شرعی مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی می باشد که ریشه در گزاره های شرعی و دینی مذهب تشیع دارد.

”با کمال دقت ملاحظه کنید کسانی که به عنوان اسلام به عنوان مسلمین به عنوان چه، اینها یک قدم خلاف برندارند. که خدای نخواستہ چهره اسلام را بر خلاف آنطوری که هست قبیح نشان بدهند. این در نظر من از همه چیزها اهمیتش بیشتر است و مسئولش هم بیشتر، همه ما مسئولیم که این کار را انجام بدهیم.“ (۴۳)

به هر حال نظارت مردم بر دولت اسلامی و دیگر حاکمان آنچنان اهمیتی دارد که حضرت امام آن را مسولیت الهی و مسئولیتی دینی عنوان می نماید.

”این مسأله مهم است و آقایان توجه کنند و همه و همه موظف اند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کج گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن همه ملت موظف اند با این که نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان مربوط به اسلام است.“ (۴۴)

- نصیحت و انتقاد

امام خمینی به ضرورت امر انتقاد تاکید دارند و همگان را به آن دعوت کرده، آن را هدیه ای الهی می دانند و می فرمایند: ” نباید ماها گمان کنیم که هر چه می گوئیم کسی را حق اشکال نیست بلکه انتقاد یک هدیه الهی است برای رشد انسانها.“ (۴۵)

ایشان انتقاد سازنده را باعث رشد جامعه دانسته و میان انتقاد و اختلاف تمایز می نهد.

انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می شود. (۴۶)

و براین باوراند که هیچ کس نباید خود را مبرا از انتقاد بداند.

هیچ کس نباید خود را مبرا از انتقاد بداند. (۴۷)

- بازخواست و استيضاح:

حضرت امام ضمن تاكيد بر اين كه مردم حق انتقاد از مسئولين دارند آنها را به سوال كردن از ولي فقيه و حاكمان و مسئولان نظام تشويق مي نمودند تا از اين طريق حاكمان بر عملكرد خویش بیشتر دقت كنند و احتمال خطا را كاهش دهند.

”هر فردی از افراد ملت حق دارد كه مستقيماً در برابر سايرين زمامدار مسليمن را استيضاح كند و به او انتقاد كند و او بايد جواب قانع كند، بدهد و در غير اين صورت اگر برخلاف و ظايف اسلامي خود عمل كرده باشد، خود به خود از مقام زمامداري معزول است.“ (۴۸)

بنابراين استيضاح از مكانيزمهاي شرعي مشاركت سياسي از ديدگاه امام خميني مي باشد كه افراد جامعه مي تواند زمامداران آن جامعه را مورد سوال قرار دهند.

۲- سازو كارهاي قانوني مشاركت سياسي از ديدگاه امام خميني

نهاد رياست جمهوري، مجلس شوراي اسلامي، مجلس خبرگان، شوراي نگهبان و مجمع تشخيص مصلحت نظام از عمده ترين سازو كارهاي قانوني مشاركت سياسي محسوب مي شوند.

- نهاد رياست جمهوري:

امام خميني يكي از فلسفه هاي وجودي نهاد رياست جمهوري يا قوه مجريه را اجراي قانون ميداند و مكرراً بر ضرورت نياز به مجري تاكيد كرده اند. ”اصولاً قانون و نظامات اجتماعي مجري لازم دارد. در همه كشورهاي عالم هميشه اين طور است كه قانونگذاري به تنهائي فايده اي ندارد، قانونگذاري به تنهائي سعادت بشر را تايمين نمي كند. پس از تشریح قانون بايستي قوه مجريه به وجود آيد، قوه مجريه است كه قوانين و احكام دادگاه ها را اجرا مي كند.“ (۴۹)

- قوه مقننه (مجلس شوراي اسلامي):

مجلس شوراي اسلامي يكي ديگر از سازو كارهاي قانوني مشاركت سياسي از ديدگاه امام خميني مي باشد كه جايگاه قانوني بالاتري از ديگر مقامات كشور دارد.

”مجلس تنها مرجعي است كه براي يك ملت است مجلس قوه ي مجتمع يك ملت است. يك گروه تمام قواي يك ملت در يك گروه مجتمع است و از همه مقاماتي كه در يك كشور هست بالاتر است.“ (۵۰)

همچنين امام خميني رأی مردم را پشتوانه ي مشروعيت ساز مجلس مي داند.

”اگر مجلس يك مجلس قوي باشد، براي خاطر اينكه پشتوانه اش همه ي ملت باشند.“ (۵۱)

- مجلس خبرگان رهبری:

مجلس خبرگان رهبری یکی دیگر از ساز و کارهای قانونی مشارکت سیاسی است که امام خمینی آن را وجه همت خویش قرار داده است.

”واضح است که حکومت به جمیع شؤون آن و ارگانهایی که دارد تا قبل شرع مقدس و خداوند تبارک و تعالی مشروعیت پیدا نکند، اکثر کارهای مربوط به قوه مقننه و قوه قضائیه و اجرائیه بدون مجوز شرعی خواهد بود، و دست ارگانها که باید به واسطه مشروعیت آن باز باشد بسته می شود و اگر برای مشروعیت الهی کارها را انجام دهند، دولت به جمیع شؤون طاغوتی و مردم خواهد بود، و لهذا تعیین خبرگان، و فقیه شناسان از تکالیف بزرگ الهی است و هیچ کس عذری در مقابل اسلام و پیشگاه خداوند قهار نخواهد بود.“ (۵۲)

- شورای نگهبان:

شورای نگهبان به عنوان یکی از ساز و کارهای قانونی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی سه وظیفه تعیین، تفسیر و نظارت بر اجرای قانون را بر عهده دارد. همچنین امام خمینی از اسلام و احکام آن و جلوگیری از تصویب قوانین مخالف شرع و قانون اساسی را از عمده ترین وظایف شورای نگهبان بر می شمارد.

” از حضرات فقهای شورای نگهبان تقاضا می شود که در مأموریت مهم خود به هیچ وجه ملاحظه اشخاص و یا گروههای انحرافی را ننموده و به وظیفه ی بسیار خطیر خود قیام و اقدام ننموده و نگهبانی از اسلام و احکام مترقی آن نمایند و خدمت خود را با قدرت تمام در پیشگاه خداوند متعال و ولی مطلق او حضرت ولی الله اعظم را امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه دارند.“ (۵۳)

” از شورای محترم نگهبان می خواهم و توصیه می کنم چه در نسل حاضر چه نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.“ (۵۴)

- مجمع تشخیص مصلحت نظام:

مجمع تشخیص مصلحت نظام از دیگر ساز و کارهای قانونی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی می باشد. ایشان در ابتدا تمایل چندانی به شکل گیری نهاد جدید تقنینی مابین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان نداشتند تا اینکه به دلیل بروز برخی از مشکلات میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی و در اثر ضرورت و مصلحت نهادی تحت عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام شکل گرفت.

شایان ذکر است که نماد مذکور که از سال ۱۳۶۶ ایجاد شده صرفاً به عنوان نمادی سیاسی و بدون جایگاه قانونی تلقی می‌شد. به هر حال امام خمینی به صراحت مصلحت را مبنای صدور حکم حکومتی قرار دادند، زیرا حکم حکومتی در نظریه ولایت فقیه از احکام اولیه اسلام و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است، بگونه‌ای که ۱- تصمیمات آن مقدم و حاکم بر نهاد شورای نگهبان است ۲- اعضای آن را اختصاصاً فقیه حاکم تعیین می‌کند. (۵۵)

بر اساس همین دیدگاه است که اصل ۱۱۲ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸ می‌گوید:

”مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام شورای نگهبان را تأمین می‌کند به دستور رهبری تشکیل می‌شود.“

۳- سازوکارهای عرفی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی

احزاب، رسانه‌های گروهی، انتخابات، شورا و مشورت و رفتارند از عمده‌ترین سازوکارهای عرفی مشارکت سیاسی از نظر نگاه امام خمینی محسوب می‌شود..

- حزب:

حزب به عنوان یکی از سازوکارهای قانونی - عرفی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی مطرح می‌باشد. ایشان رژیم شاه را به دلیل اینکه آزادی‌های فردی، انتخابات واقعی، مطبوعات و فعالیت احزاب را از بین برده است مورد حمله قرار می‌دهد و می‌گوید: ”هر حکومتی که بر سر کار آید حزبی تشکیل می‌دهد، یکی حزب مردم درست می‌کند، یکی حزب ایران نوین هی حزب درست می‌کنند.“ (۵۶)

ایشان پیشنهاد تاسیس حزب توسط روحانیت را که توسط یکی از علما مطرح شده بود را به صراحت رد کردند و استدلال نمودند: ”حزب هیچ به درد ما نمی‌خورد. (۵۷) همچنین ایشان در اوج مبارزات با تقاضای یکی از شاگردانشان مبنی بر تشکیل حزب مخالف بوده و فرمودند: ”ما نباید حزب تشکیل بدهیم، آیا بهایی‌ها هم حزب تشکیل بدهند، ما هم حزب تشکیل بدهیم؟ ما باید همچون گذشته با فقه و فقهات و اجتهاد سروکار داشته باشیم و در این محور حرکت کنیم تا بتوانیم مردم را بسیج کنیم.“ (۵۸)

در دوران پس از انقلاب اسلامی امام خمینی با طرح برخی از مصالح و به درخواست آقای هاشمی رفسنجانی با تشکیل حزب موافقت نمودند. اما در همان حال تقسیم روحانیت در قالب دو حزب و موضع‌گیریهای صادره از ناحیه آنان را ناشی از منافع حزبی آنها دانستند، نه موضع‌گیری ایدئولوژیکشان. (۵۹) امام خمینی شکل‌گیری احزاب از سوی استعمارگران را عامل تفرقه در

صفوف بهم فشرده توده ها دانست و در مورد هدف تشکیل حزب توسط آنها می گوید: "آنها وقتی حزب درست می کنند واقعاً با هم دشمن می شوند، حزب کذا با حزب کذا، اینها با هم دشمن هستند و تمام عمر خودشان را صرف می کنند در دشمنی کردن با هم وقتی نباشد که آنها اصلاح بشود، اینها تمام قوایشان را صرف کنند در این که خودشان به جان جسم بیفتند" (۶۰)

ایشان همچنین یکی دیگر از دلایل حزب سازی از ناحیه دیگران را نگرانی از وحدت اجتماع می داند و میگوید: "زیرا تازمانی که در یک جامعه هم گرایی وجود داشته باشد، زمینه بهره برداری خارجی از میان می رود. این امر مخالف منافع غریبان بود و در پرسه حزب سازی هم می توانست از سوئی، جلوگیری و اختلاف افکنی کند" (۶۱)

امام خمینی در اوایل انقلاب اسلامی با تاثیر از فرهنگ متعالی اسلام و سیره رسول الله با تعدد احزاب با سلاطین متفاوت با تسامح بیشتری برخورد نمودند، اما زمانیکه این احزاب زمینه تفرقه و بهم ریختن وحدت ملی را ایجاد کردند خواهان برخورد با آنان شدند. بنابراین تحزب از دیدگاه امام خمینی در چارچوب مصالح ملی پذیرفتنی است و در غیر این صورت مطرود می باشد.

- رسانه های گروهی:

مطبوعات و رادیو تلویزیون از مهمترین سازوکارهای قانونی - عرفی مشارکت سیاسی از منظر امام خمینی می باشند.

- مطبوعات:

در زمان استقرار نظام اسلامی امام خمینی خواهان حرکت مطبوعات و رسانه ها در مسیر خواست ملت اند. به طور کلی در مطبوعات هر کشوری مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیو آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت آن ملت باشد. مطبوعات باید ببینند که ملت چه می خواهد، ایشان زمانی که متوجه آسیب رسانی مطبوعات توطئه گر نسبت به وحدت و قدرت ملی شدند محاکمه و توقیف آن را خواهان شدند، و در این راستا فرمودند: «دادستان انقلاب موظف است مجلاتی که برخلاف مسیر ملت است و توطئه گر است تمام را متوقف کند و نویسندگان آنها را دعوت کنند به دادگاه و محاکمه کند» (۶۲)

- رادیو و تلویزیون:

رادیو و تلویزیون یکی دیگر از سازوکارهای قانونی - عرفی مشارکت سیاسی از منظر امام خمینی محسوب می شود.

"من بارها گفته ام رادیو و تلویزیون باید مستقل باشد و باید استقلالش محفوظ باشد و هیچ کس

در آن دخالت نکند شما فقط در هر چه بیشتر اسلامی شدن آن کوشش کنید تا مطابق با خواست مردم باشد.“ (۶۳)

- انتخابات:

انتخابات از دیگر سازوکارهای قانونی - عرفی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی می باشد. که ایشان سرنوشت کشور را وابسته به آن می دانند. ”مردم هم حاضرند انتخابات حاضر می شوند در انتخابات برای اینکه مردم کشور را حالا از خودشان می دانند که سرنوشت کشور با انتخابات است.“ (۶۴)

ایشان بر نقش و اهمیت مردم در انتخابات صحه می نهد. ”گمان نمی کنم که نقش و اهمیت انتخابات و مجلس شورای اسلامی بر کسی پوشیده باشد، بحمدالله هر چه از عمر با برکت انقلاب شکوهمند اسلامی ما میگذرد مردم مسلمان و متعهد کشورمان به اهمیت حضور و نقش تعیین کننده خود در تمای صحنه های انقلاب آشنا تر می شوند و راز دوام و بقاء در استحکام قیام الهی خود را بهتر کشف می نمایند.“ (۶۵) و شرکت مردم در انتخابات را وظیفه ای شرعی و عقلای می دانند: ”یکی از وظایف مهم شرعی و عقلی ما برای حفظ اسلام و مصالح کشور، حضور در حوزه های انتخابیه و رای دادن به نمایندگان صالح، کاردان و مطلع بر اوضاع سیاسی و جهان می باشد.“ (۶۶)

همچنین از دیدگاه امام خمینی مردم برای شرکت در انتخابات آزادند و هیچ عاملی نمی تواند آنها را به شرکت در انتخابات وادار نماید. «معهدالک باید مردم را برای انتخابات آزاد گذاریم و نباید کاری بکنی که فردی بر مردم تحمیل شود.“ (۶۷)

شورا و مشورت:

شورا و مشورت یکی از سازوکارهای عرصه قانونی - عرفی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی می باشد که با اشاره به اظهارات و بیانات و سیره عملی ایشان مورد بررسی و کنکاشی قرار می گیرد.

- اظهارات و بیانات:

اظهارات امام خمینی در پاریس نوعی نظام تصمیم گیری مبتنی بر شورا تجویز می نماید. ایشان در پاسخ به سوالی به تاریخ ۵۷/۸/۱۰ مبنی بر اینکه نظرتان در مورد تغییر و تحولات آینده چیست؟ می گوید: ”حکومت دموکراسی و جمهوری اسلامی برقرار می شود. در این جمهوری یک مجلس ملی مرکب از متخصصین واقعی و مردم امور مملکت را اداره خواهند کرد. با استقرار نظام جمهوری اسلامی ساختمان واقعی و حقیقی کشور شروع خواهد شد.“ (۶۸) چند روز بعد در توضیح بیشتر این

نظام فرمودند: "دقیقاً باید به آرای عمومی در همه جا احترام بگذارد" (۶۹). ایشان در تاریخ ۵۸/۲/۹ در طی نامه ای به شورای انقلاب لزوم تشکیل شورای شهر و روستا یادآور شدند و فرمودند. "لازم می‌دانم بیدرنگ با تهیه آیین نامه اجرایی شوراها برای اداره امور محلی شهر و روستا در سراسر ایران اقدام و پس از تصویب به دولت ابلاغ نمایید تا دولت بلافاصله به مرحله اجرا درآورد" (۷۰).

- سیره عملی:

امام خمینی در سیره عملی، اجرایی خویش بارها در زمانهای مختلف بر لزوم تحقق عینی سازوکار اجرایی شورا و مشورت در بدنه نظام جمهوری اسلامی ایران تاکید داشته اند؛ شورای انقلاب اولین نهادی است که به فرمان امام خمینی تاسیس شد. در مورد مهمترین تصمیم سیاسی در آغاز تشکیل جمهوری اسلامی، در حکم انتصاب مهندس مهدی بازرگان آورده اند: "بنا به پیشنهاد شورای انقلاب برحسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرا اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران جنابعالی را مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم" (۷۱).

- رفراندم:

رفراندم از دیگر سازوکارهای قانونی - عرفی مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی می‌باشد که ایشان آن را معادل سرنوشت ملت می‌داند. "این رفراندم چیزی است که همه ملت ما باید در آن شرکت کنند من توصیه می‌کنم به همه ملت که در این رفراندم که سرنوشت ملت ما و کشور ما و مذهب ما را تعیین می‌کند، شرکت کنید، اهمال نکنید." (۷۲)

ایشان همچنین از آحاد مردم اعم از زن و مرد خواستند که در رفراندم شرکت نمایند. "همه قشرها زن و مرد از جوان شانزده ساله تا پیرمرد در این رفراندم شرکت کنند هیچ کس اهمال نکند." (۷۳)

امام خمینی خواهان مشارکت اقلیت‌های دینی و اهل تسنن در انتخابات شدند. فردا همه شیعه و سنی و اقلیت‌های مذهبی همه بیایند و رای بدهند و کشور خودشان را از این گرفتاری و آشفته‌گی‌های بخت‌ساز بکشند. (۷۴)

و رفراندم را خط بطلانی بر نظام شاهنشاهی را معرفی کردند: «در تاریخ ایران چنین رفراندمی سابقه ندارد که سر تا سر مملکت با سر حق و شعف و علاقه به صندوقها هجوم آورده و رای مثبت خود را در آن ریخته و رژیم طاغوتی را برای همیشه در زباله‌های تاریخ دفن کند. (۷۵)

- جمع بندی و نتیجه گیری

هدف این نوشته همانگونه که در آغاز ذکر شد، یافتن پاسخی برای این پرسش بود که مفهوم وسازوکارهای مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی چه نسبتی بامفهوم وسازوکارهای مشارکت سیاسی در بستر مدرنیته دارد؟

رهیافتی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت چارچوب مفهومی تلفیقی از مشارکت سیاسی در بستر مدرنیته بود. که در آن چارچوب تلفیقی انگیزه های اقتصادی (بیشینه کردن سود) سیاسی (کسب قدرت) ایدئولوژیک (پیگیری اهداف مذهبی و متعالی) به عنوان عمده ترین اهداف مشارکت سیاسی عنوان شدند. در اندیشه سیاسی امام خمینی اهداف عقیدتی و ایدئولوژیکی نظیر استقرار حکومت اسلامی، برقراری عدالت، ظلم ستیزی و حق تعیین سرنوشت به عنوان عمده ترین اهداف مشارکت سیاسی مطرح است.

در دو سطح خرد و کلان با تاکید بر مواردی چون رفتار سیاسی، انگیزه های مذهبی و اقتصادی، خصوصیات روانی و شخصیتی به عنوان سطح خرد مشارکت سیاسی و مواردی مانند فرهنگ سیاسی، سازمان و تشکیلات و نیروها و ساختارهایی که در سطح جامعه بر فعالیت افراد تاثیر میگذارند به عنوان سطح کلان مشارکت سیاسی آورده شدند. اما سطوح مشارکت سیاسی مورد نظر امام خمینی ضمن تقارن با اهداف ایدئولوژیکی، عقیدتی که ایشان از مشارکت سیاسی در نظر داشتند. با طرح ریزی انسان ایده آل مشتمل بر ویژگیهایی نظیر کمال جویی اراده آزادیخواهی و دو بعدی بودن در سطح خرد و طرح مواردی نظیر امت واحده اسلامی، ملت و قومیت با تاکید بر محوریت تحقق امت واحده جهانشمول اسلامی در سطح جمعی، صورت می گرفت.

در پارادایم مدرنیته از احزاب، انتخابات، قوه مجریه، قوه مقننه و رسانه های جمعی به عنوان عمده ترین سازوکارهای مشارکت سیاسی که ریشه در قانون و عرف دارد سخن به میان آمد. حال آنکه امام خمینی با پی ریزی مواردی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی بر امور، انتقاد، استیضاح و بازخواست به عنوان سازوکار شرعی مشارکت سیاسی و طرح اموری چون نهاد ریاست جمهوری، قوه مقننه مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بسان سازوکار سازوکار قانونی مشارکت سیاسی و آوردن مواردی نظیر حزب، رسانه های گروهی، انتخابات، شورا و مشورت و رفراندوم به عنوان سازوکارهای عرفی مشارکت سیاسی، راهی جداگانه از چارچوب مفهومی این نوشتار پیموده است، بگونه ای که آوردن مواردی مانند سازوکارهای شرعی که در مخالف با چاره، ره یافت مفهومی این نوشته قرار می گیرد.

- پی نوشت‌ها:
- ۱- در این خصوص نگاه کنید به:
 1-maclosky.(1968).Politicalparticipation,"international- Encyclopedia of social science, vol 11, new yourk, mocmillon"p:243
- ۲- نگاه کنید به:
 مایکل راش (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت، ص ۱۲۴
- ۳- رجوع کنید به:
 پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم غلامرضا، خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۴۳-۲۴
- ۴- مراجعه کنید به مقاله مفهوم مشارکت سیاسی از...
 داود فیروزی (۱۳۷۷)، مفهوم مشارکت سیاسی. علوم سیاسی، سال اول، شماره اول، تابستان، ص ۴۵-۴۴
- ۵- رک به: فاضلی، عبدالرضا (۱۳۷۱). «مشارکت سیاسی و تشکل، جنبه‌های نظری و جایگاه». مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی اتاق لایب ناسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۷۱
- ۶- رجوع شود به: غلام ابراهیمی (۱۳۸۳)، تاثیر قومیت بر فرایند مشارکت سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۵۵
- ۷- نگاه کنید به: داریوش آشوری (۱۳۷۳) دانشنامه سیاسی: تهران: انتشارات مروارید، ص ۳۹
- ۸- رجوع کنید به: عبد الرحمن عالم (۱۳۷۶)، بنیادهای علم سیاست، چاپ سوم، تهران: نشر نما، ص ۲۳۸
- ۹- همان منبع ص: ۳۳۱-۳۲۹
- ۱۰- همان ص ۳۳۲
- ۱۱- همان ۱۲۲
- ۱۲- همان ۱۲۲
- ۱۳- نگاه کنید به: ۲۴- کدیور، محسن (۱۳۷۶). نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر نی، ص ۲۴.
- ۱۴- رجوع شود به: قنبریان، حسن (۱۳۷۶). «نقش امام خمینی در تفکیک اسلام حکومتی و حکومت اسلامی» مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، خردادماه، ص ۱۴۸.
- ۱۵- نگاه کنید به: فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، «نشریه علوم سیاسی»، ش ۱۶، زمستان، ص ۱۳۵.
- ۱۶- برای مطالعه بیشتر ببینید: کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۰). دموکراسی در نظام ولایت فقیه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۲۳۵.
- ۱۷- رجوع کنید به: امام خمینی (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، جلد یکم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۵۲.
- ۱۸- همان ص ۱۵۲-۱۵۰
- ۱۹- همان ۱۴۲
- ۲۰- همان ۱۶۷-۱۵۰
- ۲۱- خمینی، روح الله (بی تا) تحریر الوسیله، جزء اول، قم: موسسه مطبوعات اسماعیلیان، ص ۲۰
- ۲۲- نگاه کنید به: صحیفه امام، جلد ۱۶، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۲۰۲
- ۲۳- رک به: امری (۱۳۷۳). شرح فارسی عزرا الحکم در دالکلم، جلد یک، تنظیم شده به وسیله جلال الدین محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۷.
- ۲۴- رک به: قاضی نجفی، محمد (۱۳۷۴). اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، ص ۱۱۰-۱۰۹.
- ۲۵- رک به: صحیفه نور، جلد چهارم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۱۸۶.
- ۲۶- نگاه کنید به: قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷). اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ص ۶۳۵-۶۳۷.
- ۲۷- رک به: صحیفه امام، جلد سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۷.
- ۲۸- همان، جلد چهارم، ص ۳۶۲.
- ۲۹- همان، ص ۳۶۷.
- ۳۰- همان، جلد پنجم، ص ۴۳۳.
- ۳۱- صحیفه نور، جلد نهم، ص ۸۵.
- ۳۲- صحیفه امام، جلد هشتم، ص ۳۲۷.
- ۳۳- همان، جلد سوم، ص ۳۰۸.
- ۳۴- رک به: فراتی، عبدالوهاب (۱۳۷۸). آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، سال چهارم، ش ۲، تابستان، ص ۱۲۸-۱۲۷.
- ۳۵- نگاه کنید به: صحیفه نور، جلد چهارم، ص ۲۵۸.
- ۳۶- رک به: فراتی، عبدالوهاب، ص ۱۳۳.
- ۳۷- نگاه کنید به: بابایی زراج، علی محمد (۱۳۸۳). امت و ملت در اندیشه امام خمینی (ره) تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۳۳.
- ۳۸- همان، ص ۱۸۹.
- ۳۹- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۱.
- ۴۰- بابایی زراج، ص ۱۹۰.
- ۴۱- رک به: بابایی زراج، ص ۱۶۷-۱۶۶.
- ۴۲- صحیفه امام، جلد ۱۳، ص ۲۰۹.
- ۴۳- همان، ج ۸، ص ۵۵.
- ۴۴- همان، ص ۵۸.
- ۴۵- همان، ص ۵۸.
- ۴۶- همان، ص ۵۵.
- ۴۷- همان، ج ۱۶، ص ۴-۴.
- ۴۸- همان، ص ۵.
- ۴۹- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۵۱.
- ۵۰- همان، ص ۴۵۱.
- ۵۱- صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۱۷۹.
- ۵۲- همان، ص ۱۷۹.
- ۵۳- صحیفه امام، جلد ۵، ص ۶۰۹.
- ۵۴- همان، ص ۶۱۰.
- ۵۵- امام خمینی (۱۳۷۵)، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۲۶-۲۵.
- ۵۶- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۶-۱۵

- ۵۷- همان ۶۷.
- ۵۸- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۸.
- ۵۹- همان ۲۵۵.
- ۶۰- همان، ج ۱۳، ص ۴۳۸.
- ۶۱- همان، ج ۱۹، ص ۳۹۹.
- ۶۲- همان، ج ۲۱، ص ۵۱-۵۰.
- ۶۳- همان، ج ۱۷، ص ۱۳۳.
- ۶۴- همان همان، ج ۱۸، ص ۶۰۵.
- ۶۵- همان، ص ۳.
- ۶۶- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۶۴.
- ۶۷- همان، ج ۲۱، ص ۴۲.
- ۶۸- حسینی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۱). مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی، تهران: نشر حبیب، ص ۸۸-۲۵۶.
- ۶۹- صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۸۴.
- ۷۰- عمرانی، ۱۳۷۲: ۹۳.
- ۷۱- نگاه کنیده به: حسینی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۱)، ۱۹۷.
- ۷۲- رگ به: برزین، سعید (۱۳۷۱). جناح بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: نشر مرکز، ص ۷۲.
- ۷۳- صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۷۵.
- ۷۴- همان، ج ۱۱: ۵۱-۵۰.
- ۷۵- صحیفه نور، جلد سوم، ص ۱۶۹.
- ۷۶- همان، جلد ۱۲، ص ۸۲.
- ۷۷- همان، ص ۸۶-۸۵.
- ۷۸- همان، ج ۱۸، ص ۲۵۳.
- ۷۹- همان، ج ۲۰، ص ۱۹۳.
- ۸۰- همان منبع، ج ۱۸، ص ۳۲۶.
- ۸۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۹۵-۲۹۴.
- ۸۲- همان، ج ۱۳، ص ۸۰.
- ۸۳- همان، ج ۴، ص ۲۴۴.
- ۸۴- همان، ج ۷، ص ۱۶۷.
- ۸۵- همان، ج ۵، ص ۱۵۱.
- ۸۶- همان، ج ۶، ص ۵۴.
- ۸۷- همان، ص ۴۳۶-۴۳۳.
- ۸۸- همان، ص ۴۱۲-۴۱۱.
- ۸۹- همان، ص ۴۳۶-۴۳۲.
- ۹۰- همان، ص ۴۵۴.
- منابع و مأخذ:**
- ۱- ابراهیمی، غلام (۱۳۸۳)، تأثیر قومیت بر فرایند مشارکت سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۲- آشوری، داریوش (۱۳۷۳). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
- ۳- آمری (۱۳۷۳). شرح فارسی عزرائحکم در الکلم، جلد یک، تنظیم شده به وسیله جلال الدین محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- بابایی زراج، علی محمد (۱۳۸۳). امت و ملت در اندیشه امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۵- برزین، سعید (۱۳۷۱). جناح بندی سیاسی در ایران از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: نشر مرکز.
- ۶- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، مترجم غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۷- حسینی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۱). مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی، تهران: نشر حبیب.
- ۸- خمینی، روح الله (بی تا) تحریر الوسیله، جزء اول، قم: موسسه مطبوعات اسماعیلیان.
- ۹- (۱۳۷۵)، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۰- (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، جلد یکم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۱- (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۲- (۱۳۷۷)، صحیفه نور، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صوری، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- طهرانی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۲)، وظیفه مرد مسلمان در احیای حکومت اسلام، تنظیم از محسن سعیدیان، تهران: بی جا.
- ۱۵- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۶)، بنیادهای علم سیاست، چاپ سوم، تهران: نشر نما.
- ۱۶- فاضلی، عبدالرضا (۱۳۷۱). «مشارکت سیاسی و تشکیل، جنبه‌های نظری و جایگاه». مجموعه مقالات جمهوری و انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۷- فیرحی، داود (۱۳۷۷). «مفهوم مشارکت سیاسی». علوم سیاسی، سال اول، شماره اول، تابستان.
- ۱۸- فراتی، عبد الوهاب (۱۳۷۸). آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، سال چهارم، ش ۲، تابستان.
- ۱۹- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، «نشریه علوم سیاسی»، ش ۱۶، ص ۱۶.
- ۲۰- قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷). اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۲۱- قاسمی، طهمورث (۱۳۸۱). نهضت امام خمینی و مطبوعات رژیم شاه (۱۳۵۷-۱۳۶۱)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۲- قاضی نجفی، محمد (۱۳۷۴). اندیشه‌های سیاسی امام خمینی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه.
- ۲۳- قنبریان، حسن (۱۳۷۶). «نقش امام خمینی (س) در تفکیک اسلام حکومتی و حکومت اسلامی» مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، خردادماه.
- ۲۴- کدیور، محسن (۱۳۷۶). نظریه‌های دولت در فقه شیعه، تهران: نشر فی.
- ۲۵- کواکبیان، مصطفی (۱۳۷۰). دموکراسی در نظام ولایت فقیه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- 1-maclosky.(1968).Politicalparticipation,"international- Encyclopedia of social science, vol 11, new yourk, mocmillon"